

نظام تربیتی اسلام

اکبری مطلق

خلاصه:



«نظام تربیتی اسلام» بیشتر جنبه پیشگیری و تربیتی دارد و در ابعاد گوناگون شخصیتی، طرفداران خود را پرورش می‌دهد.

«نظام تربیتی اسلام» که کلیات آن در قرآن کریم مطرح و توسط اهل البیت(ع) — که قرآن ناطقند — برای تعالی و کمال انسانها در همه اعصار بیان شده است، ولی اگر شخصی بخواهد به حیثیت و منافع دیگران لطمه وارد کند، سیستم قضائی اسلام جلوی آن را خواهد گرفت.

یک مقدمه، شش فصل (۱). عنصر علم و دانش ۲. عبادت و معنویت ۳. خانواده ۴. اقتصاد ۵. روابط اجتماعی ۶. بینش سیاسی) و یک نتیجه گیری

مقدمه: مفردات بحث

معنی نظام:

«نظام» مصدر و صیغه ماضی آن «نَظَمَ» به معنی: «دانه‌های مروارید را به رشته درآورد». این ماده مصدر دیگری هم دارد که به معنی «منظم و مرتب کردن» است.^۱ لوئیس معلوف، ت. بندر ریگی محمد؛ المنجد ص ۱۹۶۱؛ ج ۴ ایران ۱۳۸۲)

در واقع نظام یعنی نظم دادن چیزهای گوناگون تحت یک ضابطه. مثلاً در تسبیح نظم دادن دانه‌های تسبیح تحت یک ریسمان. نظام؛ منطق و محوریته است که می‌تواند پدیده‌های گوناگون را در حول خود انتظام بخشد.

مقدمه: تربیت و اسلام

تربیت کلمه عربی و مصدر مستعار است که «رب» از آن گرفته شده و به معنی: «۱- پروردن و پروراندن. ۲- آداب و اخلاق را به کسی آموختن. ۳- پرورش (اگر به معنای اسم مصدر بگیریم)» (معین محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ چ ۶ تهران ۱۳۸۲؛ چاپخانه مهارت ص ۲۷۹ در واقع، تربیت یعنی چیزی را از یک حالتی به حالت دیگر بگردانی تا به حد کمال و تمام برسد و روشن است که «رب» حقیقی خداست. در اصطلاح پداگوژی (تعلیم و تربیت) از ریشه یونانی و آن وظیفه برده‌ای بوده که اداره و هدایت اطفال را به عهده داشته است.

اسلام «مصدر از «أَسْلَمَ یُسْلِمُ» به معنی: «تسلیم بی قید و شرط شدن» است، ولی اگر ریشه آن ثلاثی مجرد باشد (سَلِمَ یَسْلِمُ) به معنی: «سالم و بی عیب و آفت ماندن» می‌باشد. (لویس معلوف، ت. بندر ریگی محمد؛ المنجد ص ۷۶۷؛ چ ۴ ایران ۱۳۸۲

مقدمه: نظام تربیتی اسلام



جامعه که همان «دانه‌های مرواریدند» را می‌خواهیم، پیرامون یک منطق قوی «از حالتی به حالت کمال» برسانیم تا از خطرات و رذایل اخلاقی «سالم و بی عیب و آفت» بمانند.

فصل نخست: علم و دانش

■ یکی از ارکان تربیتی اسلام توجه به عنصر علم و دانش است و بدون آن هیچ گاه انسان به کمال نخواهد رسید و در سایر ابعاد شخصیتی نیز رشد نخواهد کرد. در سیره اهل البیت (ع) به این عنصر توجه شده است. شاید تنها موردی باشد که در لسان معصومین آمده است که: «علم را حتی برای غیر خدا هم که شده یاد بگیرید، زیرا در نهایت برای خدا خواهد شد.»

ماهیت علم انکشاف و پرده برداری از ریا، نفاق و جهل است. عالم می‌داند که دارد چکار می‌کند و اگر خلاف می‌کند هم می‌داند که خلاف می‌کند، چون می‌داند امید به بازگشتنش هست، اما در جایی کسی علم را برای فخر فروشی یا دنیا گرایی تحصیل می‌کند.

اهمیت، جایگاه، ارزش و آثار علم و دانش و توجه دین مبین اسلام به آن، لازم است دانسته شود که مباحث مرتبط با موضوع علم و دانش ۷۶۵ بار در قرآن از آن به صراحت ذکری به میان آمده است.

علم ودانش

■ مطلب نخست: اهمیت علم و دانش

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ» زمر: ۹

■ مطلب دوم: رفعت بسیار

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» مجادله: ۱۱

■ مطلب سوم: علم شرط زمامداری

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بقره: ۲۴۷

دوم: قال اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ (۵۵) وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (يوسف ۵۶)

علم و دانش

■ مطلب چهارم: دعا برای فزونی علم
«و قل رب زدنی علما» طه: ۱۱۴

■ مطلب پنجم: خشیت خدا با عبادت علما و مِنَ النَّاسِ وَالِدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ
كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ فاطر: ۲۸

سوال دوم

■ آیات ذکر شده را با نگاه به تفاسیر مفهوم یابی نموده و توضیح دو ایه را با ذکر منبع ارسال کنید

فصل دوم: عبادت و معنویت

توجه به معنویت و تسری آن به همه ابعاد زندگی بشر از جمله ارکان اصلی «نظام تربیتی اسلام» است و از همین روست که وجود نازنین پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»

1. تعریف معنویت

«معنویت» در کتاب لغت جمع «معان» است که به معنی: «ما يقصد بشي» است؛ یعنی آنچه مورد قصد واقع می‌شود و «معنوی» منسوب به همان معنی است. (المنجد، لوئیس معلوف، ص ۵۳۵، دهاقانی ۱۳۷۴)
و در کتاب لغت دیگر به معنی: در نظر گرفتن، اراده کردن و... است. کلمه «معنوی» نیز دلالت بر معنی می‌کند و معنی هم به چیز غیر محسوس و غیر مادی گفته می‌شود. (طباطبایی، سید مصطفی؛ فرهنگ نوین، ص ۴۶۳)
اما در کتب لغت فارسی به معنی: «آنچه درباره باطن اشخاص، روح و موضوعات اخلاقی باشد» اطلاق می‌شود. (غریب محمد؛ واژه نامه نوین، ص 1157/)

2. کلید واژه‌های معنویت

با بررسی کلمه معنویت در فرهنگ لغت به چند کلید واژه، از جمله: «قصد، دقت، غیر مادی، باطن، اخلاق و...» بر می‌خوریم. اگر بخواهیم یک فرد معنوی باشیم بدون «قصد» نمی‌توانیم آهنگ سفر کنیم و در «قصد» چند مطلب نهفته است:

الف) شناسایی هدف ب) شناسایی مسافت راه پ) شناسایی خطرات مسیر ت) همراه بردن امکانات و آذوقه لازمه در طول مسیر و حرکت از جذابیت‌های بین راه چشم پوشی کردن و...

راههای رسیدن به معنویت

■ توجه شود که آنچه در پی می آید به معنای عدم توجه به مادیات و غرائز نیست بلکه ایندو در طریق صحیح شرعی باید استفاده شود

■ **الف) سلامت معنوی**
کسانی که هنوز به گناه و آلودگی‌های بزرگ دست نزده‌اند، این مسیر را بهتر می‌توانند بپوشند و با قدرت بیشتری حرکت کند.

شاهد این مدعا این آیه شریفه است که خداوند در وصف حضرت ابراهیم (ع) فرموده است: «او با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد». (صافات: ۸۴) این سلامت معنوی، موتور محرکه مسیر الی الله است

ب) حیات معنوی
مقداری از مسیر الی الله را خود باید شروع کنیم اما ادامه آن را حضرت حق ضمانت کرده است. آنجا که می‌فرماید: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه زن باشد یا مرد، در حالی که مؤمن است او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم». (نحل: ۹۷)

«مقام امن و می‌بیغش و رفیق شفیق - گرت مدام میسر شود زهی توفیق
دریغ و درد که تا این زمان ندانستم - که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق» - حافظ

راههای رسیدن به معنویت ۲

■ پ) وسیله معنوی:

همه وسائل و ابزارها امانتهایی است به دست انسان که اگر «شکر آنها را بجا آورده شود، خداوند آن را زیاد می‌کند و در غیر این صورت، آن را می‌گیرد». «از این روی خداوند سبحان می‌فرماید: یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله. (مائده ۳۵) امروزه همه وسائلی که با کمترین هزینه و با دقت و سرعت لازم می‌تواند پیام قرآن را به مخاطبان برساند، باید بهره جست و در این مسیر راه افراد خلاق و توانمند را باید باز گذاشت

■ ت) سؤال از نعمتها

انسان اگر همواره در این فکر باشد که تمام امکاناتی که در اختیار دارد، مورد بازخواست قرار می‌گیرد، سعی می‌کند در حفظ و استفاده از آنها دقت لازم را داشته باشد. قرآن می‌فرماید: «لتسئلن یومئذ عن النعیم» (تکواثر: ۸)؛ یعنی در روز قیامت از همه نعمتهایی که خدا داده، سؤال می‌شود

راههای رسیدن به معنویت ۳

■ (ث) جهاد

کلمه جهاد از «جهد» به معنی کوشش و تلاش است. در اصطلاح دینی واژه جهاد دو کاربرد دارد. یکی در خصوص جنگ با کافرین و دشمنان خداست که به شکل دفاعی و تهاجمی متجلی می‌شود. دفاع در همه مکاتب و اندیشه‌ها مقدس و ارزشمند است، ولی شروع به جنگ (جهاد ابتدایی) به فتوای اکثریت قاطع مراجع فقط در صلاحیت امام معصوم (ع) است. در روایات فضیلت‌های بسیاری برای جهاد بیان شده است که قرآن کریم منزلت جهادگران را با دیگران غیرقابل مقایسه می‌داند و می‌فرماید: **فَضَلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ (نساء: ۹۵)**

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: **خداوند متعال جهاد را بر انسان واجب کرد و رتبه آن را بالا برد، به خدا سوگند دین و دنیای انسان جز در سایه جهاد به صلاح نخواهد رسید.** (وسایل الشیعه ج ۱۱ ص ۹)

جهاد چه به شکل دفاعی یا تهاجمی در دین ما به جهاد اصغر نامیده شده است. جهاد اکبر، به جهادی گفته می‌شود که انسان همه تلاش خود را مصروف دارد تا از آلودگی و معصیت مبری شود.

برای رسیدن به معنویت باید همیشه در ستیز بود و با خوک پلید هوای نفس مبارزه کرد. از این جهت وجود نازنین پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: **«المجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله عزوجل» (۱۸)** مجاهد واقعی هر چه را می‌خواهد بدست آورد، برای رضایت خداست، نه برای ارضای نفسانیت خود و یا خوش آمدن مردم و اطرافیان.

سوال سوم

■ بعد از مطالعه راههای رسیدن به معنویت با نگاه به شبهات مطرح شده پیرامون جهاد در اسلام یک شبهه را به صورت فایل صوتی طرح نموده و پاسخ دهید

فصل سوم: خانواده

■ یکی از ارکانی که اسلام بدان توجه دارد، کانون خانواده است. خانواده مقدس ترین، تاثیرگذارترین و در عین حال کوچکترین سازمان اجتماعی است

■ در سازمان کوچک خانواده، روابط در عین عاطفی بودن از نظم و مدیریت و در نهایت دستور پذیری برخوردار است.

اصل سوم تربیتی اسلام: خانواده

■ مطلب نخست: فرزند زینت دنیا

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (کهف: ۴۶)
شکوفه‌ها و گل‌هایی هستند که بر شاخه‌های این درخت آشکار می‌شوند؛ زودگذرند، کم دوامند و اگر از طریق قرار گرفتن در مسیر «الله» رنگ جاودانگی نگیرند بسیار بی اعتبارند.

مطلب دوم: بوسیدن فرزند

بوسیدن باعث می‌شود تا محبت دو طرف بیشتر، کینه‌ها برطرف و فرزند عقده‌ای و سنگ دل بار نیاید.
بوسیدن فرزند در دین ما دارای ثواب هم است.

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: «من قبل ولده کان له حسنه» ترجمه: هر کس فرزندش را ببوسد به ازای هر بوسه حسنه‌ای برایش نوشته می‌شود. (سفینه البحار ج ۸ ص ۵۰۸)

اصل سوم تربیتی اسلام: خانواده

■ مطلب سوم: حقوق فرزند

فرزند یک سری حقوق اولیه دارد که می‌بایست پدر برای او فراهم کند مثل: غذا و لباس، اما یک سری حقوق معنوی هم دارد که در روایات بدان خیلی تأکید شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو برای او انتخاب کند و زمانی که به سن بلوغ رسید او را به ازدواج برساند و کتاب خدا را به او یاد دهد» (کنز العمال حدیث ۴۵۱۹۱)

مطلب چهارم: مرد سرپرست خانواده

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» ((نساء: ۳۴)

اصل سوم تربیتی اسلام: خانواده

■ مطلب پنجم: همسر مایه آرامش

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم: ۲۱)
و در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: (و الله جعل لكم من انفسكم ازواجاً؛ روشن است این که در این آیات می‌خوانیم «همسران شما را از شما قرار داد»، معنی آن این است که از جنس شما قرار داد نه از اعضای بدن شما.

و بنا بر روایتی که از امام باقر - علیه السلام - در تفسیر عیاشی نقل شده، خلقت حوا از یکی از دنده‌های آدم شدیداً تکذیب و تصریح شده که حوا از باقی مانده خاک آدم آفریده شده است.

■ مباحثی از قبیل معاشرت نیکو با همسران (نساء آیه ۱۹)، رعایت عدالت با همسران (نساء آیه ۳)، تساوی زن و مرد در کمالات انسانی (نحل آیه ۹۷)، حفظ حقوق زن (نساء آیه ۷)، وظایف مرد نسبت به زن متخلف و ناشزه (نساء آیه ۳۴) و... از جمله مسائل خانوادگی است که در قرآن بدان پرداخته شده است.

■ مطلب ششم: ازدواج سنت پیامبر(ص)

در اسلام ازدواج از جایگاه مهمی برخوردار است. پیامبر (ص) آن را «سنت خود می‌داند و دوری کنندگان از ازدواج را اعراض کنندگان از پیامبر (ص)» (بحار الانوار ج ۱۰۳ ص (ازدواج مایه حفظ دین است (کنز العمال حدیث ۴۴۴۰۳

سوال چهارم

■ از جمله شبهات پیرامون اسلام مردسالاری بودن است با توجه به مطالعه مطالب خانواده چه پاسخی به این شبهه دارید لطفا جواب ارسال گردد

آسان گرفتن مهریه

رسول اکرم(ص): «در مهریه آسان بگیرید زیرا مهریه سنگین موجب عداوت و دشمنی می شود» (۳۰)

مطالب متعددی در خصوص حقوق مرد (کافی ج ۵ ص ۵۰۸)، حقوق زن (بحار ج ۷۴ ص ۵)، بهترین زن (بحار ج ۱۰۳ ص ۲۳۷)، ولیمه عروسی (بحار ج ۱۰۰ ص ۲۶۸)، لزوم توسعه در زندگی (بحار ج ۷۵ ص ۲۰۸) و... در روایات اهل البیت (ع) به چشم می خورد.

فصل چهارم: اقتصاد

■ اسلام همواره به کار و کوشش توجه جدی داشته است اما در عین حال از دنیا زدگی انسانها را پرهیز می‌دهد. در اسلام، کار مقدس است، عبادت است، به منزله جهاد در راه خداست و دعای بیکار مستجاب نمی‌شود و کسانی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران انداخته‌اند مورد لعنتند. در هیچ جای دنیا به اندازه اسلام تنوع «عقود» وجود ندارد. برای کارهای گوناگون عقد قراردادهای گوناگون وجود دارد که متأسفانه توسط کارشناسان اقتصادی ما منقح و کاربردی نشده است.

بعضی از عقود اسلامی به قرار زیر است:

1- بیع، ۲ اجاره، ۳ نکاح، ۴ طلاق، ۵ ارث، ۶ رهن، ۷ افلاس، ۸ محجور، ۹ ضمان، ۱۰ حواله، 11 کفالت، ۱۲ صلح، ۱۳ شرکت، ۱۴ مضاربه، ۱۵ مزارعه، ۱۶ مساقات، ۱۷ ودیعه، ۱۸ عاریه، ۱۹ جعاله، ۲۰ وکالت، ۲۱ وقف، ۲۲ هبه، ۲۳ صدقه، ۲۴ سبق و رمایه، - 25 وصیت، ۲۶ اطمعه و اشربه، ۲۷ شکار و ذبح، ۲۸ غصب، ۲۹ شفعه، ۳۰ احیاء موات، ۳۱ لُقْطه.

سوال پنجم

■ با مراجعه به کتب فقهی مثل رساله مجتهدین دو تا از عقود مطرح شده را به تفصیل تبیین و توضیح دهید و با همدیگر مقایسه پاسخ ارسال گردد.

معنای اقتصاد

■
اقتصاد به معنی میانه روی است که در آن نه افراط باشد و نه تفریط. مرحوم راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن ذیل ماده «قصد» می گوید: «والاقتصاد علی ضربین: أحدهما محمود علی الاطلاق وذلك فيما له طرفان إفراط وتفریط كالجود فإنه بين الاسراف والبخل... والثاني يکنى به عما يتردد بين المحمود والمذموم وهو فيما يقع بين محمود و مذموم كالواقع بين العدل والجور والقريب والبعيد وعلى ذلك قوله (فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد)»

ترجمه :اقتصاد به دو گونه است؛ یکی مورد ستایش است و آن در جایی است که بین دو طرف (افراط و تفریط) قرار بگیرد؛ مثل «جود» که در صورت افراط به «اسراف» می گراید و در صورت تفریط به «بخل».

دوم در جایی که بین ستایش و ذم واقع شود؛ مثل جایی که نه «عدل» باشد و نه «جور». نه «نزدیک» باشد و نه «دور».

اسلام و اقتصاد: عدم ورود سفیهان در معامله

■ عدم ورود سفیهان

در اقتصاد ورود آدم‌های سفیه و کودن (چه سفیه و احمق ذاتی باشد و یا اینکه دارای سر رشته نباشد) ممنوع است و باید از ورود آنان جلوگیری کرد. خداوند تبارک تعالی می‌فرماید: وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء: ۵)

■ سفیه کیست؟

«راغب» در کتاب مفردات می‌گوید: سفیه «بر وزن تبه» در اصل یک نوع کم وزنی و سبکی بدن است به گونه‌ای که به هنگام راه رفتن تعادل حفظ نشود و به همین جهت به افسار که ناموزون است و دایما در حال حرکت است «سفیه» گفته می‌شود و سپس به همین تناسب در افرادی که رشد فکری ندارند به کار رفته است خواه سبکی عقل آنها در امور مادی باشد یا در امور معنوی، ولی روشن است که منظور از سفاهت در آیه فوق، عدم رشد کافی در خصوص امور مالی است، به طوری که شخص نتواند سرپرستی اموال خود را به عهده گیرد و در مبادلات مالی منافع خود را تأمین کند و به اصطلاح کلاه سرش برود.

شاهد بر این سخن، آیه دوم است که می‌گوید: «فان آنستم منهم رشدا فادفعوا اليهم اموالهم»؛ اگر آنها را رشید یافتید اموالشان را به دست آنها بسپارید.

اسلام و اقتصاد ۲: حرمت ربا

■ حرمت ربا

اساس اقتصاد اسلامی بر «حلال بودن و کار» است. اینکه فردی بدون هیچ کار و تلاشی پولی به دیگران بدهد و سود مشخصی به دست آورد، از نظر اسلام مشروع نیست.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۷۵)

امام صادق - علیه السلام - فرمود: «آكل الربا لا يخرج من الدنيا حتى يتخبطه الشيطان»؛ رباخوار از دنیا بیرون نمی رود، مگر این که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.

از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین نقل شده که فرمود: «هنگامی که به معراج رفتم دسته ای را دیدم بحدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه جدیت می کردند، برخیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می خوردند. از جبرئیل سوال کردم اینها چه افرادی هستند و جرمشان چیست؟ پاسخ داد: اینها رباخواران هستند.»

اقتصاد اسلامی: رضایت طرفین در معاملات

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْخُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۸)

سایر موضوعات مربوط به اقتصاد اسلامی

■ مباحث زیادی در فقه اسلامی درباره اقتصاد آمده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- یادگیری مسائل تجارت (کافی ج ۵ ص ۱۵۰)
- 2- صداقت برای تاجر (الدر المثور ج ۲ ص ۴۹۵)
- 3- پس گرفتن معامله (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۸۷)
- 4- آسان گرفتن در معامله (بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۹۵)
- 5- یاد خدا در معاملات (کنز العمال حدیث ۹۳۳۰)
- 6- پرهیز از سوگند (محجه البضاء ج ۳ ص ۱۷۳)
- 7- نه به کسی ضرر بزند و نه بگذارد به خودش ضرر وارد شود (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۳۲)
- 8- قرض الحسنه (مزمّل: ۲۰)

سوال ششم

■ با نگاه به نظریات مطرح تفاوت بین معامله و ربا را به تفصیل بیان کنید و پاسخ ارسال گردد

فصل پنجم: روابط اجتماعی

■ اسلام برای انسانها ارزش قائل است و از همین رو، برای حضور آنان در جامعه حدود و شرایطی قائل است. هیچ کس حق ندارد آزادی خود را وسیله‌ای برای اضرار به دیگری قرار دهد. انسانها تا جایی آزادند که به حقوق شهروندی دیگران خلل وارد نکرده و یا اینکه رفتار آنان هتک حرمت به مقدسات را فراهم نیاورد.

اصول روابط اجتماعی از نظر قرآن کریم:

■ همسایه

■ اداب معاشرت

الف: سلام

ب: خوشرفتاری

ج: بهترین رفتار در برابر اذیت مردم

د: گذشت از لغزش مردم

ه: زیبا سخن گفتن

و: رعایت امانت

ز: نهی از خیانت

ح: خدمت به مردم

ط: پوشش

ی: زیبایی

مطلب اول: همسایه :

■ در دین ما مطالب فراوانی درباره همسایه از جمله: احترام، نیکی، انتخاب، آزار، حدود همسایه و... بحث شده است.

در قرآن عظیم احسان به همسایه در ردیف پرستش خدا قرار گرفته است.

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا (نساء: ۳۶)

■ از پیامبر(ص) نقل شده که در یکی از روزها سه بار فرمود: واللّٰه لا يؤمن الذی لا یامن جاره
بوائقه: «کسی که همسایه او از مزاحمت او در امان نیست...!»

مطلب دوم: آداب معاشرت

۱. سلام کردن :
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور: ۲۷)
۲. خوش رفتاری و مشورت با مردم :
فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (ال عمران: ۱۴۵)
برداشت از این آیه:
1. اخلاق خوب، لطف الهی است و باید شکر آن به جا آورده شود. (فبما رحمه من الله . 2...دوری جستن مردم از آدم بد اخلاق (لانفضو من حولک) 3. بخشش خطاکارن در صورتی که بخشش باعث جرأت آنان به کار زشت نشود (فاعف عنهم)
4. طلب مغفرت برای خطاکاران (استغفر لهم) ۵ برای اینکه خوب جذب شوند، کارشکنی نکنند و از دیدگاه‌های انتقادی آنان بهره برده شود] با آنها مشورت شود (وشاورهم فی الامر)
6. اتخاذ تصمیم باید قاطعانه باشد (فإذا عزمْتَ) 7. بعد از تصمیم بر خدا توکل کند (فتوكل على الله)
8. خداوند متوکلینی را دوست دارد [که همه مراحل گذشته را به خوبی انجام دهند] (إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)

مطلب دوم: آداب معاشرت

■ 3. بهترین رفتار در برابر اذیت مردم: اَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (مومنون: ۹۶)

■ 4. گذشت از لغزش مردم

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (ال عمران: ۱۳۴)

■ گذشت از خطای مردم

فرو بردن خشم بسیار خوب است، اما به تنهایی کافی نیست؛ در اینجا اشاره به مرحله‌ای عالی‌تر از عفو شده که همچون یک سلسله مراتب تکاملی پشت سر هم قرار گرفته‌اند و آن این است که انسان نه تنها باید خشم خود را فرو برد و با عفو و گذشت کینه را از دل خود بشوید بلکه با نیکی کردن در برابر بدی (آنجا که شایسته است) ریشه دشمنی را در دل طرف نیز بسوزاند و قلب او را نسبت به خویش مهربان گرداند

مطلب دوم: آداب معاشرت

■ 5. زیبا سخن گفتن ... : وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا... (بقره: ۸۳)

6. رعایت امانت

امانت داری از صفات برجسته یک مسلمان است. به طوری که اگر رعایت امانت را نکند مسلمان واقعی نخواهد بود.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مومنون: ۸)

انسان نسبت به تعهداتی که می‌دهد باید پایبند باشد چه آن تعهدات را کتبی بگوید یا شفاهی.

■ امام صادق (ع) فرمودند: اگر قاتل حضرت علی (ع) شمشیر خود را به رسم امانت به من بسپارد و من بپذیرم، امانت را به او تحویل خواهم داد. (بحار الانوار ج ۷۷ ص ۴۱۸)

مطلب دوم: آداب معاشرت

■ 7. نهی از خیانت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (انفال: ۲۷)

■ 8. خدمت به مردم

خداوند به حضرت ابراهیم و اسماعیل (آیه ۱۲۵ سوره بقره) در خصوص خدمت به زائران خانه خدا دستوراتی می‌دهد. در آیه ۷۷ تا ۸۱ سوره کهف داستان حضرت خضر و موسی را نقل می‌کند که تمام اقدامات حضرت خضر برای مردم و آن دو کودک یتیم بود. در سوره قصص آیه ۲۳ و ۲۴ خدمت حضرت موسی به دختران شعیب را مطرح می‌کند که همگی در عین بیان مصداق ما را متوجه می‌کند که هر کاری از دستان بر می‌آید باید برای مردم انجام دهیم

■ امام صادق (ع) می‌فرماید:

«خداوند می‌فرماید مردم خانواده من هستند، محبوبترین انسان کسی است که بر مردم لطف بیشتر داشته باشد و تلاش در رفع نیاز آنها بکند» (کافی ج ۲ ص ۱۹۹)

مطلب دوم: آداب معاشرت

9. پوشش

قطعا لباسی که انسان در خانه می پوشد با بیرون و همچنین لباسی که در برابر محارم خود می پوشد با نامحرمان مثل هم نیست.

چه لباسهایی ممنوع است:

الف: نازک و بدن نما

زنان حق ندارند در برابر دید نامحرم از لباس نازک و بدن نما استفاده کند. [البته برای مردان هم کراهت دارد] (مستدرک الوسائل

ج ۱ ص ۲۱۰

ب: لباس شهرت

لباسی است که اختصاص به زن یا مرد دارد. هیچ کدام حق ندارد لباس مخصوص دیگری را بر تن کند. (محجه البیضا ج ۲ ص ۲۴)

گاهی لباس شهرت به لباسی گفته می شود که غیر مسلمانان می پوشند و اگر پوشیدن آن باعث ترویج فرهنگ بیگانه شود دارای اشکال است.

ج: لباس ابریشم برای مرد

مردها نمی توانند لباس ابریشمی بپوشند. (کافی ج ۶ ص 453)

مطلب دوم: آداب معاشرت

■ 10. زیبایی

اسلام مخالف زیبایی نیست. حتی دستور می‌دهد که وقتی به مسجد می‌روید زینت‌های خود را همراه ببرید (اعراف ۳۱).

خداوند آن دسته از افرادی را که از زیبایی‌ها استفاده نمی‌کنند، را توبیخ می‌کند (اعراف ۳۲)

زنها زینت خود را باید برای شوهرانشان آشکار کنند (نور ۳۱)

در روایات به ضرورت زیبایی (۵۶)، محبوبیت زیبایی در نزد خدا (۵۷)، زیبایی در لباس (۵۸)، زیبایی در مو (۵۹)، زیبایی صورت (۶۰) و... اشاره شده است

سوال هفتم

■ پس از مطالعه اصول روابط اجتماعی یک اصل را به صورت کامل با استفاده از منابع در دسترس تبیین کرده ارسال کنید

فصل ششم: بینش سیاسی

■ مباحث مطرح در این فصل:

■ ۱: معنی سیاست

■ ۲: ویژگی های رهبر

■ ۳: مدیریت اسلامی

■ ۴: دشمن شناسی

■ ۵: ظلم ستیزی

■ ۶: آزادی

فصل ششم: بینش سیاسی

■ اسلام در یک کلام یک دین سیاسی، اجتماعی و عبادی است. یک دین چند بعدی است که اگر یکی از ابعاد آن نباشد، ناقص و ابتر خواهد بود.

مطلب اول: معنی سیاست

سیاست از ریشه «سوس» به معنی: «تیمار و سرپرستی چهار پایان» است. و اگر گفته شود: «ساس القوم» یعنی: رهبری آن قوم را به دست گرفت و کارهای آنان را سر و سامان داد» (لویس معلوف، ت. بندر ریگی محمد؛ المنجد ص ۷۹۳؛ ج ۴ ایران ۱۳۸۲) اما نظریه پردازان تعاریف گوناگون از سنخ توصیفی، تجویزی یا مختلط درباره سیاست ارائه داده‌اند؛ از جمله:

■ 1. سیاست، علم فرمانروایی بر کشورها است. (صول علم سیاست، موریس دوورژه، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، ص ۱۱)
2. سیاست، یعنی فن و عمل فرمانروایی در جوامع انسانی. (همان)

3. سیاست عبارت است از مطالعه قدرت و نفوذ. (مبانی علم سیاست، عبدالحمید ابوالمحمد، ج ۱، ص ۲۷)

4. علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی نظر دارد. (بنیادهای علم سیاست، عبدالرحمن ع

۲۶

۵. - سیاست هنر استفاده از امکانات، حکومت کردن بر انسان‌ها، مبارزه برای قدرت، دانستن این‌که چه کسی می‌برد، چه می‌برد، چه موقع می‌برد، چگونه می‌برد و چرا می‌برد و توزیع آمرانه ارزش‌ها است. (همان: ۲۹-۳۰) 6.

علم سیاست دانشی است که پدیده‌ها و روندهای سیاسی موجود و سازمان‌ها و گروه‌های جویای قدرت و روابط شهروندان و گروه‌های گوناگون با دولت و روابط دولت با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را مطالعه می‌کند. (همان: ۳۳)

ویژگی‌های رهبر اسلامی

دلایل بسیاری (چه نقلی و چه عقلی) دلالت بر وجود یک فقیه جامع الشرایط به عنوان حاکم اسلامی موجود است که در آیات قرآن و روایات وظایفی را برای او بیان کرده است. از جمله:

1. توانایی علمی و قدرت جسمی

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۴۷)

2. دلسوزی نسبت به جامعه:

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء: ۳)

ویژگی های رهبر اسلامی

■ 3. صبر و یقین:

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (سجده آیه ۲۴)

4. شرح صدر:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (*) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (طه: ۲۵-۲۶)

■ 5. حکم بر طبق حق

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ
عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ
(ص: ۲۶)

ویژگی‌های رهبر اسلامی

6. قاطعیت در مبارزه:

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّبًا (نساء: ۸۴)

7. مقدم داشتن ضابطه بر رابطه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء: ۱۳۵)

8. احیاء احکام الهی

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۷۷)

سوال هشتم

■ با توجه به آیات مطرح شده در مورد ویژگی های رهبر یک ایه رابه دلخواه از تفاسیر توضیح دهید

مطلب سوم در بینش سیاسی: مدیریت

۱. علم و شناخت (در فصل اول بحث شد)

۲. تخصص و تعهد

۳. تشویق و تنبیه

۴. عدم سوء استفاده از بیت المال

۵. پرداختن به امور مهم

۶. نسپردن منصب به افراد ضعیف

مدیریت

- تعهد و تخصص:
■ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ (*) قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (يوسف: ۵۵) تاکید بر امین بودن و دانائی
- تشویق و تنبیه: امام علی (ع) می‌فرماید:
«هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند» (سفینه البحار ج ۲، ص ۶۴۱)
- عدم سوء استفاده از بیت المال
امام علی (ع) در عهد نامه به مالک اشتر می‌فرماید:
مقام و پست طعمه‌ای برای تو نیست که از آن استفاده کنی، بلکه این مسئولیت امانتی نزد توست» (بحار الانوار، ج ۳۳، حدیث: ۵۱۲)

مدیریت

■ پرداختن به امور مهم

یک مدیر باید از پرداختن به حواشی و کارهای غیر ضروری خودداری کند. در عین اینکه از زیر و بم همه تشکیلات تحت امر سر در می آورد، ولی در جزئیات دخالت نکند.

امیرالمومنین (ع) می فرماید:

«کسی که به کار غیر مهم بپردازد کار مهمتر را ضایع می سازد. نظریه تو برای همه کارها گنجایش ندارد پس آن را برای کارهای بسیار مهم مشغول ساز. (۸۱)

نسپردن منصب به افراد ضعیف

روزی پیامبر (ص) افرادی را برای فرمانداری به جاهای مختلف می فرستاد. برای ابوذر جایی را در نظر نگرفت. ظاهراً ابوذر قدری به فکر فرو رفت که چه ایرادی در او وجود دارد.

پیامبر (ص) نگاهی به ابوذر کرد و فرمود: «یا اباذر! تو را ضعیف و ناتوان می بینم. و برای تو دوست دارم آنچه را که برای خودم دوست دارم. فرمانروایی بر دو نفر را [حتی] نپذیر و نیز متولی مال یتیم نشو»

مطلب چهارم: دشمن شناسی

■ یک جامعه ارزشی، مکتبی و مستقل، قطعاً دشمنانی دارد. اما افراط و تفریط خطرناک است. آنهایی که فکر می‌کنند همه مشکلات ما از دشمن است، در افراطند. و آنهایی که فکر می‌کنند ما اصلاً دشمنی نداریم آنها هم در غفلت و تفریط به سر می‌برند.

دشمن با صرف بودجه‌های هنگفت در صدد تضعیف و ایجاد اختلاف بین مسلمانان است (انفال آیه ۳۶) تا قدرت آنان را کم جلوه دهد و تحقیرشان کند (شعرا آیه ۵۴) از هرگونه تحریم و محاصره آنان دریغ نمی‌کند (منافقون آیه ۷) تا بلکه با صحنه‌های سرگرم کننده و مهیج شهوت آنان را سست کرده و از رمق بیندازد (لقمان آیه ۶).

یکی از نکات اساسی که دشمن در صدد ضربه زدن به آن است، عبارت از ایمان مسلمانان است (بقره آیه ۱۰۹) و از هر راهی که بتواند چه به صورت نظامی یا فرهنگی و اقتصادی آنان را اغفال می‌کند (نساء آیه ۱۰۲) نقشه‌هایی آنان این است که مسلمانان را همچون خود به مسیر کفر بکشانند (نساء آیه ۸۹)

مطلب پنجم: ظلم ستيزي

1. عدم لياقت ظالمين براي مديريت و رهبري

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۸۳)

مقام امامت يعنی رهبری و پیشوایی خلق، در واقع امام کسی است که با تشکیل يك حکومت الهی و به دست آوردن قدرت‌های لازم، سعی می‌کند احکام خدا را عملاً اجرا و پیاده نماید و اگر هم نتواند رسماً تشکیل حکومت دهد تا آنجا که در توان دارد در اجرای احکام می‌کوشد.

2. ظالمين در قرآن

قرآن چهار دسته را به عنوان ظالم معرفي مي‌کند:

الف: تجاوزکاران از حدود الهي (طلاق آیه ۱)

ب: بت پرستان (بقره آیه ۵۴)

ج: کافران (بقره آیه ۲۵۴)

د: حاکمان منحرف (مائده آیه ۴۵)

3. شديدترين ظلم

در روايتي از امام صادق (ع) آمده است: «هيچ ستمي سخت‌تر از اين نيست که مظلوم ياوري جز خدا نداشته باشد»

4. ظالم ترين مردم

امام علي (ع) مي‌فرمايد: «ستمکارترين مردم کسي است که ظلم خود را عدل بشمارد»

مطلب ششم: آزادي

■ آزادي يکي از چالش برانگيز ترين واژه هاي است که در چند قرن اخير در دنيا توجه همه را به خود جلب کرده است.

سياستمداران دنيا به تکیه بر عصاي آزادي همواره کانون توجه بوده اند. و هر کدام تعريفی و حدي براي آزادي مطرح کرده که مخالفان و موافقانی هم داشته است

تعریف اسلام از آزادی چیست؟

- **1. معنی آزادی:** تفاهم و ارائه تعریف از مفاهیم عینی، کار چندان مشکلی نیست. به عنوان مثال :مفهوم گوش، چشم، حرکت، آب، کوه، برق و... همگی مفاهیمی عینی و غیر ذهنی دارند، اما آن جایی که سر و کار با مفاهیم انتزاعی و ذهنی است، مانند مفاهیم فلسفی و بسیاری از علوم انسانی همانند روان شناسی، جامعه شناسی و علوم سیاسی، ارائه تعریف جامع، امری مشکل و غالباً دست نیافتنی است، چنان که گفته می شود: به تعداد ذهن ها و فکرها، جهان بینی وجود دارد.
 - به بیان دیگر: امور ذهنی و مفاهیمی که ذهن آن را تولید می کند، آن چنان گسترده است که می توان گفت به تعداد هر انسان، برداشت ها و بینش های مختلف و گاه متضاد وجود دارد. به عنوان مثال مفهوم سعادت، دموکراسی، سوسیالیسم، فرهنگ و توسعه فرهنگی، آزادی و لیبرالیسم، همگی از مقوله مفاهیم ذهنی هستند.
- مفهوم سعادت گرچه در ابتدا واضح و بدیهی به نظر می رسد، اما یکی از ابهام آمیزترین مفاهیم است، به گونه ای که دو فیلسوف در جهان یافت نمی شود که نظر یکسانی در پاسخ سؤال بدهد. و برخی نویسندگان غربی برای آزادی حدود دویست تعریف ذکر کرده اند.

آزادي مورد بحث در علوم مختلف

- آزادي، گاه به معنای اختيار در مقابل جبر به کار می‌رود.
- گاهی نیز مراد از آزاد، انسان حرّ، در مقابل انسان مملوک و برده است.
- گاهی گفته می‌شود فلانی آزاد رایی دارد؛ یعنی رأی مستقل دارد، در مقابل نظر تقلیدی
- بعضی مواقع، آزادي به این معنا است که انسان هر کاری را بخواهد، انجام دهد و هر چه را می‌پسندد بگوید، بدون این که هیچ حدّ و مرزی به عنوان خط قرمز برای وی وجود داشته باشد.
- بحث در یونان باستان به گونه‌ای دیگر هم پیگیری شده است. آیا طبیعت و سرشت انسان اجتماعی آفریده شده و به اصطلاح مدنی است؟ یا این که ذات انسان بر تنهایی بنا گشته است.
- اگر گفتیم اصالت از آن جامعه است، لازمه زندگی اجتماعی رعایت يك سري قيودات و شرایط و ضوابط است. پس طبیعت آدمی به گونه‌ای سرشته گشته است که دارای آزادي مطلق نباشد، بلکه در چارچوب آزادي داشته باشد.
- اگر گفتیم اصالت از آن فرد است، لازمه زندگی فردی، داشتن آزادي مطلق است. به این ترتیب آزادي مقوله‌ای نیست که موضوع بحث علم خاص باشد، بلکه فلسفه و روان شناسی، جامعه شناسی و علم حقوق و علوم سیاسی و علم عقاید و کلام، و به طور کلی ادیان و مکاتب الهی و غیر الهی همگی در این مورد اظهار نظر کرده اند. بنابراین، استقرا و احصا و جمع آوری دیدگاه‌های مکاتب مختلف در مورد آزادي، نه ممکن است و نه مفید.

آزادی در قرآن

■ حدود آزادی

■ آزادی در اعتقاد

■ آزادی های فردی

■ آزادی اجتماعی

آزادي در قرآن

الف: حدود آزادي:

■ قرآن انسان را یک موجود کاملاً آزاد و مختار می‌داند. به شکلی که پذیرش دین برای او اجباری نخواهد بود (لا اکراه فی الدین) و از طرفی حق دارد مسیر حق یا باطل را خودش انتخاب کند (انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا).

اما بحث دیگر این است؛ یک انسانی که معتقد به اصول اخلاقی و اجتماعی اسلام نیست، آیا می‌تواند طبق اعتقادات خود در جامعه رفتار کند؟ اسلام برای رفتار آدمها حد و مرزی قائل است. به دو دلیل:

یکم: رفتار فرد نباید مخل آزادی دیگران و باعث ضرر به شخص ثالث گردد. این مطلب بدیهی عقل می‌باشد و اگر کسی با آن مخالفت بورزد یعنی اینکه در جامعه هرج و مرج باید به وجود بیاید. دلایل قرآنی و روایی فراوان هم هست (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام فی الدین)

دوم: مصالح جامعه بر فرد مقدم است.

فلسفه وضع قانون آن است که حقوق اکثر جامع پایمال نگردد. بهترین قانون آن است که جامعیت بیشتری داشته باشد. پس همیشه در اعمال قانون اکثریت منتفع می‌گردند و یک اقلیتی ممکن است مقداری زیان ببینند.

البته در اعمال قانون اینگونه نیست که همیشه فقط یک اقلیت خاص متضرر باشند. ■

آزادی در قرآن

ب: آزادی در اعتقاد

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (256)

شان نزول:

مفسر معروف اسلامی طبرسی در مجمع البیان در شان نزول آیه نقل می‌کند: مردی از اهل مدینه به نام ابو حصین دو پسر داشت. برخی از بازرگانانی که به مدینه کالا وارد می‌کردند، هنگام برخورد با این دو پسر آنان را به عقیده و آیین مسیح دعوت کردند، آنان هم سخت تحت تاثیر قرار گرفته و به این کیش وارد شدند و هنگام مراجعت نیز به اتفاق بازرگانان به شام رهسپار گردیدند.

ابو حصین از این جریان سخت ناراحت شد و به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» اطلاع داد و از حضرت خواست که آنان را به مذهب خود برگرداند و سوال کرد آیا می‌تواند آنان را با اجبار به مذهب خویش باز گرداند؟ آیه فوق نازل گردید و این حقیقت را بیان داشت که: در گرایش به مذهب اجبار و اکراهی نیست.

آزادي در قرآن

ج: آزادي هاي فردي

۱. حق تحصيل
۲. حق حيات
۳. حق اظهار نظر
۴. آزادی در عمل
۵. آزادی در اندیشه

آزادی در قرآن

ج: آزادی‌های فردی

■ یکم: حق تحصیل

هر فرد حق دارد در مسیر علم و دانش گام بردارد و کسی مزاحم او نشود: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): قَالَ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا (الكافي، ج ۸، ص ۱۶۷)

دوم: حق حیات: هر فرد حق زندگی دارد و کسی نمی‌تواند این حق را از او سلب کند مگر در خصوص مسائلی که به قصاص مربوط می‌شود و یا آنکه مصداق «مفسد فی الارض» باشد.

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (نساء: ۹۲)

سوم: حق اظهار نظر: حق رأی و اظهار نظر با تعبیرات گوناگون در قرآن آمده است. که به برخی اشاره می‌رود: * وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شوری: ۳۸)

در این آیه دیندار واقعی کسی است که به بعد عبادی (نماز) و عقلی (مشورت) توأم با هم می‌پردازد. که یکی از ثمرات آن «رزق و روزی» خواهد بود.

وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۲) اینجا پیامبر امر می‌شود که حتی با مخالفان خود نیز مشورت کند.

آزادي در قرآن

ج: آزادي هاي فردي

■ چهارم: آزادي در عمل

آزادي بيان يكي از دستورات قرآن است.

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (آل عمرا: ١٥٩)

نکته: افراد آزادند تا مسیر هدایت یا گمراهی را خود برگزینند

آزادي در قرآن

ج: آزادي هاي فردي

■ پنجم: آزادي در اندیشه

* دهها آیه در قرآن سفارش به فکر و نظر و تدبّر و تحقیق و تعقل می‌کند.

* دهها آیه قرآن از انسان‌های بی‌فکر مذمت می‌کند. إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ [انفال/۲۲].

* آیات قرآن و احادیث و سیره پیامبر(ص) در جنگ و حکومت‌داری و آیین‌نامه کارگزاران علی(ع) ما را سفارش به مشورت و نهی از خودمحموری و تک‌روی می‌کند.

* اسلام، تقلید در اصول دین را ممنوع می‌داند. * تمام آیات تفکر و تدبّر شاهد آزادی فکر است.

* يَكُ سَاعَتِ فِكْرٍ از ساعت‌ها عبادت بهتر است . سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّا يَرْوِي النَّاسُ: «أَنَّ تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ...» (كافي، ج ۲، ۵۴)

قرآن آزادي اندیشه را به اين مي‌داند كه انسان همه اقوال را بشنود، اما تحت تأثیر قرار نگرفته و با ملاک‌های منطقي و عقلي كه دارد بهترین قول را برگزیند.

■ اسلام با اطاعت کورکورانه و پنبه در گوش گذاشتن مخالف است. به این آیه عنایت فرمائید: وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر: ۱۷-۱۸)

آزادي در قرآن

ج: آزادي هاي اجتماعي

■ در محيط اجتماعي انسان آزاد است با توجه به دو اصل گفته شده (مخل نبودن، تقدم مصالح اجتماعي بر فردي) اقداماتي را انجام دهد:

عن امير المومنين (ع): لا تكونن عبد غيرک و قد جعلک الله سبحانه حرا... (غرر الحکم، ص ۳۳۵).

سوال نهم

■ بعد از مطالعه انواع آزادی در قرآن کریم، یکی از آزادی های را انتخاب کرده و به تبیین آن پردازید در نهایت ارسال به ایتا یا ایمیل

مطلب هفتم: محدوده آزادی

■ اسلام برای آزادی حد و مرزی قائل است. زیرا انسان نمی‌تواند مثل حیوانات به شکل غریزی رفتار کند که اگر اینگونه بود می‌بایست ما هنوز به شکل انسانهای اولیه زندگی می‌کردیم و رشد و توسعه‌ای نمی‌داشتیم. محدودیت‌های سازنده عبارتند از:

۱. نفی عبودیت غیر خدا
۲. رهایی از سلطه پذیری (سلطه غیر خدا خواری و زبونی ولی سلطه خدا همان عفت و ارامش و عزت نفس و موفقیت و...)
۳. فریاد مظلوم (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا)
۴. مسخره نکردن (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ)
۵. شرکت نکردن در مجالس گناه (وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)
۶. بدون اذن وارد منزل کسی نشدن (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)
۷. هر سوالی را نپرسیدن (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ)

نتیجه گیری

■ آنچه ذکر شد تنها بیان مختصر و خلاصه‌ای بود از اهم اصول تربیتی اسلام. زیرا اسلام یک دین تک بعدی و فردی نیست.

انسان به دلیل آن که یک موجود اجتماعی است، می‌بایست در ابعاد مختلف حریم و حدود خود را بداند و نسبت به آدم نهایت ادب و دقت رعایت را داشته باشد.

«نظام تربیتی اسلام» بیشتر بر مبنای پیشگیری و تربیتی بنا نهاده شده است. و الا در سیستم قضایی اسلام که دارای وجوه متمایز ممتاز از حقوق قضایی سایر نقاط دنیا است، برای بزهکاران تدابیر مختلف هم اندیشیده شده است.

■ اگر چه بنا بر تفسیری می‌توان سیستم امنیتی و قضایی هر جامعه را هم جزء سیستم تربیتی معنا کرد، اما به دلیل آنکه این سیستم بیشتر جنبه جراحی و ماهیت قهری و برخوردی دارد، در این مقال بدان پرداختیم.